تعريف انقلابي بودن در فرمايشات رهبري ـ ويرايش دوم

21 ارديبهشت 1395

فيش‌هاي اطلاعاتي زير از طريق جستجوي چند كليدواژه مانند: «روحيه انقلابي»، «انقلابي بودن»، «انقلابي ماندن» و «انقلابيگري» در سايت Khamenei.ir استخراج شده است. با توجه به تعداد كم كليدواژه‌ها، نمي‌توان گفت تمام آن‌چه در موضوع «انقلابي بودن» مورد نياز است، به دست آمده. بلكه در فرصت‌هاي وسيع‌تر، با استفاده از كليدواژه‌هاي بيشتر و مترادفات، اين امكان وجود داد كه مطالب مرتبط بيشتري بتوان استخراج نمود. لكن در زماننا هذا، با توجه به سرعتي كه مدّ نظر بوده، اين فيش‌ها مي‌تواند كافي به نظر برسد، تا ما را با نظرات مقام معظم رهبري (حفظه‌الله) درباره شاخص‌هاي انقلابي بودن آشنا نمايد.

فهرست عناوين

1. تعريف انقلابي بودن حوزه
   1. اشتباه در معنا كردن «انقلابي بودن» به فرياد و اعتراض سر مسئولان
   2. «انقلابي بودن» به معناي فرياد كشيدن سر آمريكا و قدرت‌هاي مزاحم اداره نظام
   3. تفكيك‌ناپذيري ارزش‌هاي اسلامي از ارزش‌هاي انقلابي
   4. عدم امكان «انقلابي غيراسلامي» بودن يا «اسلامي غيرانقلابي» بودن
   5. عدم منافات منطق و برخورد منطقي با «انقلابي بودن»
   6. مساوي نبودن «انقلابي بودن» با پرخاشگري بي‌دليل
   7. «انقلابي بودن» به معناي حفظ قاطعانه و بدون رودربايستي مواضع اسلامي و انقلابي
   8. «انقلابي بودن» به معناي مرعوب و خام نشدن و فريب نخوردن از قدرت‌ها
   9. «انقلابي بودن» به معناي مواجهه شجاعانه و قدرتمندانه با قدرت‌هاي بزرگ در صحنه سياسي
   10. منافات نداشتن «انقلابي بودن» و حضور سياسي، با مشغول بودن به درس در حوزه
   11. «بي‌تفاوتي نسبت به انقلاب» يعني عدم تأثير انقلاب در فعاليت‌هاي جاري حوزه
   12. «حزب‌اللهي بودن» به معناي آمادگي براي انجام تكليف الهي، بمثابه ارزشي انقلابي
   13. مرجّح بودن افراد واجد روحيه حزب‌اللهي نسبت به سايرين، در همه سطوح نظام اسلامي
   14. پرهيز از تصوّر نادرست «بي‌سواد» بودن همه جوانان حزب‌اللهي و صرفاً پرسروصدا و پرهياهو بودن آنان
   15. ضرورت آشنايي نسل امروز با تاريخچه دويست‌سال اخير، براي انقلابي ماندن
   16. «انقلابي بودن» به معناي ايستادگي در مقابل دشمنان و بدگويان و طعنه‌زنان به انقلاب
   17. مساوي بودن «انقلاب» با «ايمان»، «اعتقاد» و «دين»
   18. وجود نداشتن «نوبت من تمام شد» در اسلام و انقلابي بودن
   19. مساوق بودن «انقلابي بودن» با «اسلامي بودن» با توجه به هدف انقلاب
   20. هدف از انقلاب؛ رسيدگي به وضع مظلومين و عمل به فرايض، احكام و سنن الهي
   21. «انقلابي بودن» به معناي افزايش فاصله با دشمن
   22. كم كردن فاصله ميان برادران معتقد به ارزش‌هاي انقلابي، به معناي «انقلابي بودن»
   23. وجود دو نوع انقلابي در ابتداي انقلاب؛ انقلابي مثبت و انقلابي منفي
   24. فرار از ميدان كار و تلاش و حركت و دوري از دردسر، شاخص انقلابيون منفي
   25. وجاهت‌طلبي و راحت‌خواهي و شعار «من مبارزه‌ام را قبل از انقلاب كرده‌ام»، ويژگي‌هاي انقلابي منفي
   26. خرج كردن آبرو و حاضر بودن در ميادين خطر، شاخص انقلابيون مثبت
   27. منفي‌بافي و برخورد اپوزيسيوني از نشانه‌هاي انقلابي منفي
   28. خود را مسئول دانستن نسبت به انقلاب و وارد ميدان شدن، ويژگي انقلابي مثبت
   29. «روحيه انقلابي» به معناي اسير حدود تحميلي نشدن و با اميد به دنبال هدف حركت كردن
   30. بانشاط و باانگيزه بودن و براي رسيدن به اهداف انقلاب اصرار و پيگيري كردن، نشانه حركت انقلابي
   31. انضباط انقلابي؛ برترين و قويترين انضباط
   32. امري مستمر و دائمي بودن انقلاب، به معناي سازندگي، رويش و بالندگي
   33. عدم امكان رويش و بالندگي بدون انضباط، قانون و نظم
   34. روي دادن بي‌نظمي‌هاي اول انقلاب به دليل ضرورت به‌هم‌ريختن بناهاي غلط، كج و پوسيده گذشته
   35. نياز به داشتن «هويّت انقلابي» براي ماندن در مسير انقلاب
   36. نياز داشتن «انقلابي بودن» به عزم، ايمان و ثبات قدم
   37. تمثيل «برگشتن از راه انقلاب» به «شكستن روزه پيش از غروب»، مانند كسي كه از ابتدا روزه نگرفته
   38. تعريف «روح انقلابي» به روح حركت به جلو، روح پيشرفت، روح ابتكار و نوآوري
   39. «انقلابي ماندن»‌ به معناي پيروز برآمدن از فتنه و نجات دادن خويش از آن
   40. فروافتادن انقلابيون به فتنه و باطل كردن گذشته خود با بي‌بصيرتي، نشناختن فضا و تشخيص ندادن حق و باطل
   41. «انقلابي بودن» به معناي منصف و عادل بودن و ملاحظه كردن طهارت دل و عمل
   42. منافات داشتن ظلم به ديگران در گفتن حرف‌هاي نابه‌جا و غيرمنصفانه درباره آن‌ها، با «انقلابي بودن»
   43. «انقلابي بودن» به معناي بصير و بينا بودن و درك پيچيدگي‌هاي شرايط زمانه
   44. ضرورت رفتار منطقي و عقلائي براي «انقلابي بودن»
   45. حضور در صحنه و سينه‌سپر كردن در مقابل دشمني‌ها، ويژگي روحانيت انقلابي و مسئول
   46. كينه‌ورزي دشمن و عناد با حاكميت فضاي انقلابي بر كشور
   47. اهل فعاليت و عمل بودن «طلبه انقلابي» و اهل تسويف نبودن و كار امروز را به فردا نيانداختن
   48. ضرر كردن و منحرف شدن از خط امام (ره) در صورت زيرپا گذاشتن «اخلاق» به نام «انقلابي بودن»
   49. انحراف از خط امام (ره) در صورت اهانت به برادر معتقد به اصل نظام، به نام انقلابي‌گري و عدالت‌خواهي
   50. «انقلابي بودن» به معناي تحمّل سليقه‌هاي سياسي مخالف با مذاق سياسي ما و رفتار عادلانه با آن
   51. عدم تقابل «عقل‌گرايي» با ارزش‌هاي اسلامي و انقلابي
   52. انحراف بودن عدول از ارزش‌هاي اسلامي و انقلابي، به بهانه «عقل‌گرايي»
   53. «انقلابي بودن» به معناي غافل نشدن از خدعه و كيد دشمن و نقشه عميق او
   54. از دست دادن پشتوانه عظيم معنوي درون كشور و ملّت، در صورت اعتماد به دشمن و كوتاه آمدن در مقابل او
   55. «انقلابي بودن»‌ به معناي تلاش براي برجسته كردن ارزش‌هاي انقلاب
   56. ساده‌زيستي مسئولان، استكبارستيزي و افتخار به انقلابي‌گري، از جمله ارزش‌هاي انقلاب
   57. «بصيرت انقلابي» به معناي تعهّد و پايبندي ديني
   58. «انقلابي بودن» يعني احياء تفكر انقلابي در ذهن‌ها
   59. «انقلابي بودن» يعني حفظ و حراست از جهت‌گيري انقلابي در عمل، بيان، رفتار، تصميم‌گيري و مقرّرات و قوانين
   60. «انقلابي بودن»‌ به معناي فدا نكردن حركت انقلابي به پاي حمايت از نزديكان و منتسبان
2. راهكارهاي انقلابي نگهداشتن حوزه
   1. استفاده از توانمندي مجمع نمايندگان طلاب براي ارتباط با لايه‌هاي دروني حوزه
   2. داشتن يك سازماندهي عظيم معنوي در مجمع نمايندگان طلاب
   3. استفاده از توانايي مجمع نمايندگان طلاب در اثرگذاري بر ذهن و روح طلاب
   4. گسترش برنامه‌ريزي شده ارتباط منظم و محتوايي با بدنه حوزه
   5. تشكيل گروه‌هاي فكري
      1. براي دستيابي به راه‌هاي صحيح ترويج تفكرات انقلابي
      2. انتقال افكار خوب و درست به طلاب
      3. شناسايي و رشد طلاب مستعدّ و با اخلاص
   6. شناسايي و حل مشكلات و شبهات ذهني طلاب
   7. تداوم و تقويت مجمع نمايندگان طلاب
      1. از لحاظ قانوني و جايگاهي
      2. از لحاظ دروني و محتوايي
   8. جدّي گرفته شدن مجمع نمايندگان طلاب از سوي شوراي عالي
   9. تربيت صدها مدرّس موفّق و انقلابي
   10. گسترش تفكر و روحيه انقلابي
       1. با تكيه بر رابطه قلبي و معنوي طلاب و مدرّسين
   11. نادرست بودن شروع حركت انقلابي در حوزه از پايين به بالا
   12. اشتباه بودن در عمل انجام‌شده قرار دادن بزرگان حوزه، در حركت انقلابي
   13. غيرممكن و غيرجايز بودن آغاز تحوّل انقلابي حوزه از سطوح پايين
   14. نادرستي آغاز حركت انقلابي حوزه بدون هماهنگي سطوح پايين و سطوح بالاي حوزه با يكديگر
   15. توجه به توصيه امام (ره) مبني بر توجه فضلا و مدرّسان به نظر طلاب جوان انقلابي مؤمن
   16. توجه به توصيه امام (ره) به طلاب انقلابي مبني بر جذب شدن به جامعه مدرسين حوزه
   17. ضرورت حُسن ظنّ نسبت به مسئولين و حاكميّت اسلامي و عدم ترويج گرايش‌هاي سوءظنّ در حوزه
   18. اشتباه بودن متهم كردن مراجع و بزرگان حوزه و اعتراض و پرخاش، به نام حركت انقلابي
   19. تشويق طلاب به سمت هدف‌هاي انقلابي و اسلامي توسط مدرّسان و اساتيد حوزه
   20. توجه به وجود شيفتگان اسلام آمريكايي، دوركنندگان روحانيت از مسير خود، در حوزه‌ها و در كسوت روحانيت
   21. ضرورت حضور طلبه‌هاي جوان مؤمن و فعّال و فضلاي جوان در سمت هدف‌هاي انقلاب، در همه جبهه‌ها
   22. پيدايش نگراني در مردم در صورت سرگرم شدن روحانيت به مسائل شخصي و دنيا و بي‌رغبتي به مسائل انقلابي
   23. توجه به اولويت داشتن رضاي الهي و مصلحت مردم در ورود به مسائل سياسي
   24. توجه به واقعيت صرف هزينه ازسوي استكبار جهاني براي انحراف طلاب و فضلا و علما از راه راست انقلاب
   25. عدم امكان روبه‌رو شدن استكبار با انقلاب، در صورت حضور علما در صحنه‌هاي انقلابي و سياسي
   26. ناپسند بودن وجود افراد بي‌تفاوت نسبت به انقلاب در حوزه
   27. پايين بودن ارزش افراد فاقد حساسيّت نسبت به دفاع از نظام اسلامي
   28. نادرستي نپرداختن به مسائل انقلاب و جهان و «بي‌تفاوتي» نسبت به آن‌ها در منابر
   29. نادرستي حذف اخلاق و نصيحت و تهذيب و احكام از منابر، به بهانه پرداختن به مسائل انقلابي و سياسي
   30. ارزش بودن انقلاب اسلامي و انقلابي بودن
   31. ترديد پيدا نكردن در مفاهيم انقلابي و در مبارزه با قدرت‌هاي ظالم و سلطه‌گر
   32. نادرستي تندروي‌هاي افراطي به نام انقلاب و متهم كردن بزرگان انقلاب به غيرانقلابي بودن
   33. جوسازي نكردن برادران انقلابي و فعاليت نكردن آنان عليه يكديگر
   34. ضرورت شناخت هندسه سياسي و آرايش نيروهاي سياسي دنيا توسط هر روحاني دلسوز، براي يافتن تكليف خود
   35. نادرستي مساوي تلقّي كردن حركت انقلابي با آشفتگي، سردرگمي و سنگ روي سنگ بند نشدن
   36. افزايش معنويت و تقرّب به خدا، با اهتمام به اعمال عبادي، براي محكم كردن بنيه ديني و انقلابي
   37. حفظ شور انقلابي، ساختن با مشكلات و رويگردان نشدن از طعن و دقّ ديگران
   38. ماندن در صحنه، مأيوس نشدن و مراقبت براي عصباني نشدن و از كوره در نرفتن، در مقابل اعتراض‌ها
   39. متهم كردن نيروهاي انقلابي به افراطي‌گري، نقشه‌اي انحرافي از سوي دشمن
   40. ضرورت پرهيز از افراط در حركت انقلابي، براي متهم نشدن به افراطي‌گري
   41. ضربه خوردن حركت انقلابي هم از «زياده‌روي» و هم از «سكوت»، بي‌تفاوتي و كناره‌گيري
   42. انحراف از حركت انقلابي و خروج از انقلابي‌گري، در صورت اهانت به مراجع و بزرگان حوزه
   43. تلاش دشمن براي منزوي كردن روحاني انقلابي
   44. تلاش دشمن براي بي‌تفاوت بار آوردن جوانان نسبت به انقلاب
   45. تلاش دشمن براي نابود كردن روحيه حماسه و انقلابي‌گري در جوانان
   46. تشويق جوانان به داشتن روحيه انقلابي‌گري، براي دفاع از كشور و مأيوس كردن دشمن
   47. ضرورت زنده نگهداشتن حادثه انقلاب و حقيقت انقلاب در ذهن‌ها و دل‌ها
   48. تلاش دشمن براي تغيير و انحراف رفتار ما از «رفتار انقلابي»
   49. گرامي داشتن و نگهداشتن نيروهاي انقلابي و حزب‌اللهي؛ يكي از كارهاي انقلابي
   50. ترويج گرايشها واحساسات انقلابي در حوزه
   51. پرهيز از افراطي‌گري در حركت انقلابي
   52. تعيين مديري از علماي برجسته، انقلابي و بصير براي مديريت حوزه

فيش‌هاي جمع‌آوري شده

# اشتباه در معنا كردن «انقلابي بودن» به فرياد و اعتراض سر مسئولان

# «انقلابي بودن» به معناي فرياد كشيدن سر آمريكا و قدرت‌هاي مزاحم اداره نظام

ما قوي هستيم و به عزت پروردگار عزيزيم؛ منتها شما دانشجويان نقش خودتان را فراموش نكنيد. آگاهي سياسي كسب كنيد و نسبت به آنچه كه ميگذرد، هوشيار باشيد و انگيزه و تپش جوانانه‌ي انقلابي متناسب با قشر شما، در خدمت هدفهاي نظام قرار گيرد. عده‌يي از افراد ساده‌انديش خيال ميكنند كه اگر دانشجو بخواهد **حضور انقلابي** داشته باشد، راهش اين است كه بر سر مسؤولان خود داد بكشد؛ خير، اين‌كه انقلابيگري نيست. آن‌جايي كه ميبينيد دانشجو بر سر مسؤولان امر داد ميكشد، مسؤولان با دانشجويان هم‌جهت نيستند؛ آنها مزدور امريكا هستند و اين جوانان نميتوانند طاقت بياورند و بالاخره فرياد اعتراض ميكشند؛ كمااين‌كه در رژيم گذشته همين‌گونه بود و دانشجو و طلبه و مردم و وجدانهاي بيدار و انسانهاي شجاع و روحهاي سالم، بر سر مسؤولان امر داد ميكشيدند. مبادا عده‌يي به صورت فريب‌انگيز و با ترفندهاي گوناگون بيايند و به چند جوان ساده تفهيم كنند كه دانشجو بايستي فرياد بكشد! بله، فرياد بايد كشيده شود؛ ولي بر سر امريكا و قدرتهايي كه مزاحم مسؤولان و اداره‌كنندگان نظام هستند. در هر دانشگاهي كه تحصيل ميكنيد، حضور دانشجويي خود را به صورت قوي و با خط درست حفظ كنيد.

1368/03/23

# تفكيك‌ناپذيري ارزش‌هاي اسلامي از ارزش‌هاي انقلابي

# عدم امكان «انقلابي غيراسلامي» بودن يا «اسلامي غيرانقلابي» بودن

دانشگاهي كه در او نبض انقلاب نزند، دانشگاهي كه اعضايش - چه دانشجو و چه استاد - نسبت به حركت انقلابي ملت ايران و براي پيشاهنگي و پيشقراولي، احساس تكليف نكند و نقش درجه‌ي يك را در كار انقلاب نداشته باشد، دانشگاهي نيست كه اميدبخش و تضمين‌كننده‌ي آينده و مورد نظر امام(ره) باشد.

دانشگاه جهتدار و ديندار، بشدت متمايل به ارزشهاي انقلابي و اسلامي است. البته ارزشهاي انقلابي از ارزشهاي اسلامي به هيچ‌وجه تفكيكپذير نيست؛ اينها با هم يكي است. كسي نميتواند بگويد من مسلمانم؛ اما انقلاب را قبول ندارم، و يا بگويد من **انقلابي** هستم؛ اما اسلام را قبول ندارم! امروز زنده‌ترين تپشهاي انقلابي در اين‌جاست؛ بسيج‌كننده‌ترين نيروهاي مردمي، اين انقلاب است؛ در حالي كه سرتاسر دنيا، انباشته از انقلابهاي گوناگون است. پس انقلابي غيراسلامي و اسلامي غيرانقلابي نداريم. ارزشهاي انقلابي، همان ارزشهاي اسلامي است.

1368/03/23

# عدم منافات منطق و برخورد منطقي با «انقلابي بودن»

# مساوي نبودن «انقلابي بودن» با پرخاشگري بي‌دليل

# «انقلابي بودن» به معناي حفظ قاطعانه و بدون رودربايستي مواضع اسلامي و انقلابي

# «انقلابي بودن» به معناي مرعوب و خام نشدن و فريب نخوردن از قدرت‌ها

براي خيليها كه‌ بين‌ **انقلابيگري** و برخورد منطقي منافات‌ ميبينند، عمل‌ انقلابي همراه‌ با تشكيلاتي منطقي و دقيق‌ و حساب‌ شده‌، قابل‌ جمع‌ نيست‌. ما مشاهده‌ ميكنيم‌ كه‌ اينها ميتواند با هم‌ جمع‌ شود. انقلابيگري به‌ اين‌ نيست‌ كه‌ ما آن‌ جايي كه‌ نبايد پرخاش‌ كنيم‌، بيخودي پرخاش‌ كنيم‌. **انقلابيگري** به‌ آن‌ است‌ كه‌ ما مواضع‌ اسلامي و انقلابي را قاطعانه‌ و بدون‌ رودربايستي و مرعوب‌ شدن‌ و خام‌ شدن‌ در مقابل‌ برخي از چهره‌هاي اميدبخش‌ كاذب‌، حفظ كنيم‌.

وقتي توانستيم‌ خط روشن‌ مواضع‌ انقلابي و اسلامي را دقيقا حفظ كنيم‌ و مرعوب‌ قدرتها نشويم‌ و با كسي رودربايستي نداشته‌ باشيم‌ و فريب‌ نخوريم‌، در حقيقت‌ به‌ ممشاي انقلابي و اسلامي توجه‌ كرده‌ايم‌.

1368/05/31

# «انقلابي بودن» به معناي مواجهه شجاعانه و قدرتمندانه با قدرت‌هاي بزرگ در صحنه سياسي

ما در ديپلماسي انقلابي و اسلامي خود به هيچ وجه نبايد نسبت به دشمن از موضع ضعف و رعب برخورد كنيم بلكه با حاكم كردن عقل و منطق در تصميم گيري هايمان بايد كاملا شجاعانه و قدرتمندانه با قدرت هاي بزرگ مواجه شويم. **انقلابيگري** در صحنه سياسي به اين معناست كه ما مواضع اسلامي و انقلابي خود را قاطعانه وبدون دل بستن به برخي از چهره هاي اميد بخش كاذب حفظ كنيم و اين خط صحيح ديپلماسي ماست.

1368/05/31

# نادرست بودن شروع حركت انقلابي در حوزه از پايين به بالا

# اشتباه بودن در عمل انجام‌شده قرار دادن بزرگان حوزه، در حركت انقلابي

# غيرممكن و غيرجايز بودن آغاز تحوّل انقلابي حوزه از سطوح پايين

اين فكر براي ما پيدا نشود كه طلبه‏ها بايد مثل نيروهاي انقلاب كه در جاهايي از پايين به بالا انقلاب شروع شد و بالاييها را در مقابل عمل انجام شده قرار دادند، عمل كنند. طلّاب تصور نكنند كه مي‏توانند **انقلابي**‏ را از پايين شروع كنند و حوزه را به صورتي كه مي‏خواهند، در بياورند و بعد به مراجع و بزرگان بگويند: بسم اللّه، اين حوزه را اداره كنيد! اين كار، نه شدني است و نه جايز مي‏باشد؛ زيرا در اينجا، مسأله‏ي تقابل قشر پايين و بالا- مثل كارگر و سرمايه‏دار و كشاورز و مالك- نيست؛ بلكه همه سر و ته يك مجموعه هستند. آن مثال اعلي و رب‏النوعش وجود دارد، بقيه هم بالقوه‏هايي هستند كه به آنجا منتهي خواهند شد. بنابراين، جهت حركت، همان جهت است البته، همه نمي‏كوبند كه مرجع بشوند و صحيح و جايز و مفيد هم نيست؛ اما جهت، جهتِ فقاهت و دين‏شناسي و همان چيزي است كه امروز مراجع ما در سطح بالاي آن قرار دارند. بنابراين، مراجع كه حسابشان مشخص است و در آينده‏ي حوزه، نقش وافري هم دارند و بدون نظر و موافقت و كمك و اراده و اقدام آن‏ها، نه جايز و نه ممكن است كاري انجام بگيرد.

1368/09/07

# نادرستي آغاز حركت انقلابي حوزه بدون هماهنگي سطوح پايين و سطوح بالاي حوزه با يكديگر

# توجه به توصيه امام (ره) مبني بر توجه فضلا و مدرّسان به نظر طلاب جوان انقلابي مؤمن

# توجه به توصيه امام (ره) به طلاب انقلابي مبني بر جذب شدن به جامعه مدرسين حوزه

توصيه‏ي امام به فضلا و مدرّسان اين بود كه به نظر **طلّابِ جوانِ انقلابي‏ مؤمن** توجه شود و با آن‏ها گرم بگيرند و به همان طلّاب انقلابي‏ هم گفتند كه شما جذب جامعه‏ي مدرّسين بشويد. پس نمي‏شود ما يك حركت طلبگي و حوزه‏اي عمومي داشته باشيم؛ در حالي كه اين طرف از آن طرف جدا باشد. اين دو طرف، يك جريان هستند كه بايد باهم باشند و همچنان كه در اساسنامه‏ي شما آمده است، مجموعه‏ي طلّاب، مجموعه‏ي مدرّسان را در رتبه و رده‏اي بالاتر از خودشان مشاهده كنند.

1368/09/07

# ضرورت حُسن ظنّ نسبت به مسئولين و حاكميّت اسلامي و عدم ترويج گرايش‌هاي سوءظنّ در حوزه

همان‏طور كه در پيام چند روز پيش مطرح كردم و به عموم مردم توصيه نمودم، بخصوص به شما آقايان نيز توصيه مي‏كنم كه كوشش كنيد حسن ظن داشته باشيد. مضمون روايت هم همين است كه‏:

«وقتي خير حاكم و غالب بر زمان است، آدم بايد حسن ظن داشته باشد و وقتي شر غالب است، انسان بايد سوءظن داشته باشد.» «1»

امروز، ديگر اسلام و خير غالب و حاكم است و حكومت و رهبري و دولت، اسلامي است. اگرچه در جامعه شر هم وجود دارد؛ اما غلبه و حاكميت با خير است. امروز، روز حسن ظن است.

# اشتباه بودن متهم كردن مراجع و بزرگان حوزه و اعتراض و پرخاش، به نام حركت انقلابي

من خواهش مي‏كنم كه گرايشهاي سوءظن‏گونه را رشد ندهيد. به‏عنوان مثال، آن موردي را كه شايد مقداري هم به من بي‏ارتباط نيست، عرض مي‏كنم: راضي نيستم كه به عنوان حمايت و اظهار لطف و محبت نسبت به من، بعضي از برادران به اين‏ مجموعه اعتراض كنند. هيچ‏كس نبايد به‏عنوان حمايت و طرف‏داري از من، هيچ‏گونه موضع‏گيري‏يي عليه كسي بكند. اگر كسي به من محبت و لطف دارد و واقعاً مي‏خواهد از من جانب‏داري بكند، راهش اين نيست كه بايستد و بگويد كه مثلًا چرا مراجع چنين كردند يا چرا جامعه‏ي مدرّسين چنان كرد يا چرا مجمع طلّاب چنين كرد. بحمد اللّه ميانه‏ي ما با مراجع بسيار خوب است. هميشه به مراجع ارادت داشته‏ايم؛ حالا هم همين‏طور است و ارتباطاتمان بسيار خوب مي‏باشد. با جامعه‏ي مدرّسين و قشرهاي گوناگون طلّاب و جهت‏گيريها و جناحهاي مختلف سياسي هم ارتباطاتمان بسيار مستحكم و خوب است؛ يعني من با هيچ‏كس مسأله‏يي ندارم. بنابراين، تصور نشود كه حالا اگر مثلًا فلان حرفي در جايي گفته شد يا فلان اظهاري- قولًا يا كتباً- از كسي صادر گرديد، تعريض به من است و كسي به عنوان محبت به من، اعتراض و پرخاش كند و كسي را متهم نمايد. مطلقاً نگذاريد كه در مجموعه‏تان و بلكه داخل حوزه، اين حرفها باب شود.

1368/09/07

# منافات نداشتن «انقلابي بودن» و حضور سياسي، با مشغول بودن به درس در حوزه

طلاب عزيز و فضلاي جوان، نبايد حتّي براي يك لحظه، حضور در ميدانهاي گوناگون را فراموش كنند. اين حضور، با درس خواندن منافات ندارد؛ بلكه مؤيّد درس خواندن است. همان‏طور كه امام بزرگوار در پيام فراموش نشدني خود فرمودند، فضلا و جوانهايي كه تفقّه را در ميدانهاي خودش فرا گرفتند و مُنذر قوم خود شدند و ميدان جنگ را ميدان آزمايش نفس و تكامل معنوي خويش قرار دادند و پيش رفتند، اين ميدانها را رها نكنند. امروز هم خطوط و ميدانها و صحنه‏هاي نظامي و غير نظامي و فرهنگي، محتاج حضور فعال شماست.

# تشويق طلاب به سمت هدف‌هاي انقلابي و اسلامي توسط مدرّسان و اساتيد حوزه

مدرّسان معظم و محترم و اساتيد حوزه‏ي علميه‏ي قم و ساير حوزه‏ها، طلاب را به سمت **هدفهاي انقلابي**‏ و اسلامي سوق بدهند. درست است كه امروز روحانيت و اسلام، راه و جايگاه خود را كاملًا پيدا كرده‏اند؛ اما اين طور هم نيست كه افكار انحرافي، بكلي از بين رفته و ريشه‏كن شده باشد.

# توجه به وجود شيفتگان اسلام آمريكايي، دوركنندگان روحانيت از مسير خود، در حوزه‌ها و در كسوت روحانيت

# ضرورت حضور طلبه‌هاي جوان مؤمن و فعّال و فضلاي جوان در سمت هدف‌هاي انقلاب، در همه جبهه‌ها

# پيدايش نگراني در مردم در صورت سرگرم شدن روحانيت به مسائل شخصي و دنيا و بي‌رغبتي به مسائل انقلابي

# توجه به اولويت داشتن رضاي الهي و مصلحت مردم در ورود به مسائل سياسي

كساني كه هنوز نتوانسته‏اند جلوه‏ي **انقلابي** اسلام را درك كنند، باز هم در حوزه‏ها و در كسوت روحانيت هستند. هنوز كساني كه به جاي كينه‏ي امريكا و دشمنان، قلبهاي آنها جايگاه كينه‏ي مجاهدان في‏سبيل‏اللّه و جوانان مؤمن و پرچمداران حقيقت است، در حوزه‏ها و بيرون از حوزه‏ها نيز پيدا مي‏شوند. همان متحجّراني كه امام مكرر اشاره كردند- يعني دوستداران و شيفتگان اسلام امريكايي؛ اسلامي كه روحانيت و دين و معنويت را از مسير خود و از مردم و خدا دور مي‏كند و مايه‏ي شادي و آسايش دل دشمنان خدا مي‏شود- هنوز هستند. در همه‏ي جبهه‏ها، حضور جوانهاي مؤمن و فعال و فضلاي جوان در سمت **هدفهاي انقلاب**، يك ضرورت است. بدانيد كه مردم از هر حركت به سمت رشدِ صحيح جامعه‏ي روحانيت، خشنود و خوشحال مي‏شوند؛ همچنان كه اگر خداي نكرده، روحانيون را سرگرم مسائل شخصي و دنيايي و يا بي‏رغبتي و عدم توجه به **مسائل انقلابي** و يا غرق شدن در دسته‏بنديهاي سياسي و غيره ببينند، نگران مي‏شوند. وظيفه‏ي علماي دين و روحانيون عزيز اين است كه رضاي الهي و مصلحت مردم را بر هر چيز ديگري مقدم بدارند.

1368/12/02

# توجه به واقعيت صرف هزينه ازسوي استكبار جهاني براي انحراف طلاب و فضلا و علما از راه راست انقلاب

# عدم امكان روبه‌رو شدن استكبار با انقلاب، در صورت حضور علما در صحنه‌هاي انقلابي و سياسي

امروز بسياري از همت و پول و ابتكار و طراحي و برنامه‏ريزي استكبار جهاني، مصروف اين مي‏شود كه ببيند چگونه مي‏تواند همين شما طلاب و فضلا و علما را از راه راست **انقلاب** منحرف كند. براي اين كار، پول خرج مي‏كنند؛ چون مي‏دانند اگر علما، همچنان كه تا امروز پيش‏گام اين انقلاب بوده‏اند و در صفوف مقدم، در جنگ، در صحنه‏هاي انقلابي‏ و در صحنه‏ي سياست حضور داشته‏اند، بازهم حضور داشته باشند، به‏هيچ‏وجه استكبار نمي‏تواند با اين انقلاب روبه‏رو بشود. مي‏خواهند اين مانع يعني شما جامعه‏ي علماي اسلام را از سر راه بردارند. براي اين كار، برنامه‏ريزي مي‏كنند.

1369/01/04

# ناپسند بودن وجود افراد بي‌تفاوت نسبت به انقلاب در حوزه

# «بي‌تفاوتي نسبت به انقلاب» يعني عدم تأثير انقلاب در فعاليت‌هاي جاري حوزه

# پايين بودن ارزش افراد فاقد حساسيّت نسبت به دفاع از نظام اسلامي

واقعاً كساني هستند كه نسبت به انقلاب بي‏تفاوتند. اين هم به نظر ما پسنديده نيست. بعضي امروز، همان‏طور صحبت مي‏كنند، همان‏طور مي‏نويسند، همان‏طور منبر مي‏روند، همان‏طور تبليغ مي‏كنند كه قبل از انقلاب مي‏كردند! انگارنه‏انگار كه در اين مملكت، **انقلابي**‏ به وجود آمده، اسلام زنده و مطرح شده، قرآن احيا شده و شريعت اسلامي مبناي نظام اداره‏ي كشور قرار گرفته است. انگار كه اين چيزها اتفاق نيفتاده است! نسبت به نظام بي‏تفاوتند؛ ولي نسبت به بعضي از اشكالات و نارساييها، خيلي تيز و دقيقند!

ما كساني را مي‏شناسيم كه در تمام دوران تسلط طاغوت، در مقابل آن همه مفاسد، يك‏كلمه حرف به عنوان نهي از منكر بر زبانشان جاري نشد؛ ولي حالا در نظام اسلامي كه جلّ و عمده‏ي امور، در جهت صلاح و رشد و تقوا و حاكميت دين است، اين‏ها حساس شده‏اند و تا اشكالي در گوشه‏يي به وجود بيايد، فوراً زبان به اعتراض بلند مي‏كنند! البته ما از اعتراض نمي‏ترسيم اعتراض بكنند اما ارزش اين افراد پايين است. اينهايي كه نسبت به نظام اسلامي، آن حساسيت دفاع را ندارند، پايينند.

1369/01/04

# نادرستي نپرداختن به مسائل انقلاب و جهان و «بي‌تفاوتي» نسبت به آن‌ها در منابر

اخلاق، خيلي لازم است؛ اما اين‏طور نباشد كه ما وقتي اخلاق مي‏گوييم، يا براي مردم حديث مي‏خوانيم، بكلي از مسائل روز، مسائل انقلاب، مسائل جهان، مسائل زندگي و تاريخچه‏ي اين يازده سالِ پُر از حادثه بركنار باشيم. همان‏طور كه عرض كردم، بعضي كه منبر مي‏روند، وقتي انسان پاي منبرشان مي‏نشيند، گويي در اين كشور **انقلابي**‏ رخ نداده، گويي رهبري مثل امام راحل (رضوان اللّه عليه) ظهور نكرده، گويي اين جنگ اتفاق نيفتاده است! اين‏طور حرف مي‏زنند و بكلي از اوضاع بركنارند! اين، از آن طرف افراط است.

# نادرستي حذف اخلاق و نصيحت و تهذيب و احكام از منابر، به بهانه پرداختن به مسائل انقلابي و سياسي

در جهت سياسي هم افراط خطاست. بعضي در منبر و سخنراني خود، همه‏ي مطلب را من البدو الي الختم مصروف به امور سياسي مي‏كنند و يك‏كلمه اخلاق و نصيحت و تهذيب و احكام، در گفتارشان نيست! حتّي مثلًا مي‏بينيد كه آقا در فلان ده منبر رفته و در باره‏ي انقلاب نيكاراگوئه بحث مي‏كند و اينكه چطور شد ساندنيستها در نيكاراگوئه شكست خوردند! يا مثلًا در باره‏ي علل پيدايش كشور ناميبيا و اينكه سابقه‏اش چه بوده است، بحث مي‏كند! حالا اين بحثها چه اهميتي دارد، او ديگر فكر نمي‏كند و توجه ندارد كه اين مباحث، در راديو، تلويزيون و روزنامه‏ها مطرح مي‏شود و همه آن را مي‏گويند. اين هم از اين طرف افراط است. افراط، از هيچ طرف مناسب نيست.

1369/01/04

# ارزش بودن انقلاب اسلامي و انقلابي بودن

# ترديد پيدا نكردن در مفاهيم انقلابي و در مبارزه با قدرت‌هاي ظالم و سلطه‌گر

انقلاب اسلامي يك ارزش است. و آنان كه در تلاش هستند تا انقلاب و **انقلابيگري** را ضد ارزش كنند از انقلاب بيشترين ضربه را خورده‌اند. ترديد در مفاهيم انقلابي و مبارزه با قدرتهاي ظالم و سلطه‌گر ضد ارزش است.

1369/05/01

# «حزب‌اللهي بودن» به معناي آمادگي براي انجام تكليف الهي، بمثابه ارزشي انقلابي

# مرجّح بودن افراد واجد روحيه حزب‌اللهي نسبت به سايرين، در همه سطوح نظام اسلامي

# پرهيز از تصوّر نادرست «بي‌سواد» بودن همه جوانان حزب‌اللهي و صرفاً پرسروصدا و پرهياهو بودن آنان

حزب‏اللّهي بودن، يعني آماده كار بودن براي انجام تكليف الهي. اين، يك ارزش است؛ يك **ارزش انقلابي**‏ است. در نظام اسلامي، همه جا، كسي كه داراي روحيه حزب‏اللّهي است بر كسي كه داراي روحيه حزب‏اللّهي نيست، ترجيح دارد. از جمله، يك مدير حزب‏اللّهي، يك استاد حزب‏اللّهي، يك صاحب‏منصب حزب‏اللّهي، يك فرمانده حزب‏اللّهي، يك هنرمند حزب‏اللّهي، يك نويسنده حزب‏اللهي ... مبادا گمان شود كه حزب‏اللّهي، يعني جوان پرسروصدا و پرهياهويي كه نه سواد درستي دارد، نه معلومات درستي! اين‏طور نيست. در ميان متخصّصين ما، در ميان برگزيدگان ما، در ميان مديران ما، در ميان علما و اساتيد ما، انسانهاي حزب‏اللّهي، زيادند. مفهوم حزب‏اللّهي را در ذهن خودمان، غلط تصوّر نكنيم. در محيطهاي مختلف، حضور عناصر حزب‏اللّهي، بايد حضور برجسته‏اي باشد.

1371/05/07

# ضرورت آشنايي نسل امروز با تاريخچه دويست‌سال اخير، براي انقلابي ماندن

نمي‌دانم آيا جوانان نسل ما و نسل **انقلابي**، تاريخچه‌ي اين صدوپنجاه، دويست سال را درست خوانده‌اند يا نه؟ من همه‌ي دغدغه‌ام اين است كه جوان انقلابي امروز، نداند ما بعد از چه دوراني، امروز در ايران مشغول چنين حركت عظيمي هستيم. تاريخچه‌ي اين صدوپنجاه، دويست سال اخير از دوران اواسط قاجار به اين طرف؛ از دوران جنگ‌هاي ايران و روس به اين طرف را بخوانيد و ببينيد چه حوادثي بر اين كشور گذشته است.

1371/05/21

# «انقلابي بودن» به معناي ايستادگي در مقابل دشمنان و بدگويان و طعنه‌زنان به انقلاب

# مساوي بودن «انقلاب» با «ايمان»، «اعتقاد» و «دين»

اين، آن چيزي است كه شما به عنوان آزاده و به عنوان يك مسلمان انقلابي، از خودتان بايد توقّع داشته باشيد. بايد در مقابل دشمنان و بدگويان و طعنه‌زنان انقلاب بايستيد. عدّه‌اي خيال ميكنند چون از مبداء انقلاب فاصله گرفته‌ايم، هرچه از مبداء انقلاب دور شويم، **انقلابيگري** ضعيفتر ميشود! اين، خطاست. انقلاب كه مال يك زمان خاص نيست، تا هرچه از آن زمان دور شديم، **انقلابيگري** ما كم شود.انقلاب، يك ايمان است؛ اعتقاد است؛ دين است. دين كه از انسان فاصله نميگيرد! فاصله انسان با دين، به حسب زمان كه كم و زياد نميشود!

# وجود نداشتن «نوبت من تمام شد» در اسلام و انقلابي بودن

شما بايد در مقابلِ اين تفكرات بايستيد. اين محنتي كه خداي متعال بر شما وارد كرد، يك امتحان الهي بود. البته بعضي، از اين امتحان، ممكن است سربلند و رو سفيد در نيامده باشند. همه كه يكسان نيستند! اما شما برادران عزيز مؤمني كه از اين امتحان الهي سربلند در آمديد، اين را بايد قدر بدانيد. بايد اين را ذخيره‌اي بدانيد. و با اين ذخيره، باز هم در راه خدا مجاهدت كنيد. در اسلام «نوبت من تمام شد» نداريم!

1371/05/26

# نادرستي تندروي‌هاي افراطي به نام انقلاب و متهم كردن بزرگان انقلاب به غيرانقلابي بودن

بعضي مثل خوارج شبيه يك عدّه از انقلابي نماهاي افراطي ما بودند كه هيچ كس را هم قبول نداشتند. فقط خودشان را قبول داشتند و طرفدار دين ميدانستند؛ هيچ كس ديگر را هم قبول نداشتند. مثل كساني كه اوّل انقلاب، امام را هم به **انقلابيگري** قبول نداشتند!

1372/10/06

# مساوق بودن «انقلابي بودن» با «اسلامي بودن» با توجه به هدف انقلاب

# هدف از انقلاب؛ رسيدگي به وضع مظلومين و عمل به فرايض، احكام و سنن الهي

«وَ يَأْمَنَ الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِك‏» «1» هدف از هر قيامي، هدف از هر **انقلابي**‏، هدف از هر قدرت اسلامي‏اي و اصلًا هدف از حاكميت دين خدا، رسيدگي به وضع «مظلومون» و عمل به فرايض، احكام و سنن الهي است.

1378/01/23

# «انقلابي بودن» به معناي افزايش فاصله با دشمن

# كم كردن فاصله ميان برادران معتقد به ارزش‌هاي انقلابي، به معناي «انقلابي بودن»

# جوسازي نكردن برادران انقلابي و فعاليت نكردن آنان عليه يكديگر

من توصيه مي‌كنم برادران مسلمان، برادران **انقلابي‌**، برادران معتقد به ارزش‌هاي انقلاب، هرچه مي‌توانند فاصله‌ي بين خودشان را كم كنند؛ با هم دوست و رفيق باشند. با هم همكار باشند. عليه يكديگر جوسازي و فعاليت نكنند، اما فاصله را با دشمن‌ها زياد كنند. اين‌ها توصيه‌هايي است كه علي‌رغم دشمنان اين ملت، در دل جوانان جا گرفته است. هر جا ما اين توصيه‌ها را كرديم، احساس كرديم و ديديم و تجربه كرديم كه اين نسل جوان‌ مؤمن، با دل‌هاي‌ روشن و پاك و صافشان و با روح‌هاي صميمي‌شان، آن لُبّ مطلب را فهميدند و به كار گرفتند و فوايدش براي كشور آشكار شد. اين‌جا نيز همين‌طور خواهد بود.

1379/08/24

# وجود دو نوع انقلابي در ابتداي انقلاب؛ انقلابي مثبت و انقلابي منفي

# فرار از ميدان كار و تلاش و حركت و دوري از دردسر، شاخص انقلابيون منفي

# وجاهت‌طلبي و راحت‌خواهي و شعار «من مبارزه‌ام را قبل از انقلاب كرده‌ام»، ويژگي‌هاي انقلابي منفي

# خرج كردن آبرو و حاضر بودن در ميادين خطر، شاخص انقلابيون مثبت

# منفي‌بافي و برخورد اپوزيسيوني از نشانه‌هاي انقلابي منفي

# خود را مسئول دانستن نسبت به انقلاب و وارد ميدان شدن، ويژگي انقلابي مثبت

ما از اوّلِ انقلاب دوگونه **انقلابي** داشتيم و انقلابيون ما دوگونه نقش ايفا كردند. بعضي از انقلابيون، انقلابيونِ مثبت بودند؛ بعضي از انقلابيون هم انقلابيون منفي بودند. در اوايل انقلاب، انقلابي منفي به آن انقلابي‌اي مي‌گفتيم كه از ميدان كار و تلاش و حركت، آنجايي كه دردسري داشت، عقب مي‌كشيد. انقلابي بود، اما انقلابي وجاهت‌طلب و راحت‌خواه؛ انقلابي‌اي كه مي‌گفت من مبارزه‌ام را قبل از انقلاب كرده‌ام، اكنون ديگر مي‌خواهم احترام شوم. بنابراين، چنين كساني به ميدان خطر و دردسر و آنجايي كه چهار نفر آدم از انسان گله‌مند مي‌شوند، وارد نمي‌شدند.يك عدّه هم انقلابي مثبت بودند. حاضر بودند آبرويشان را هم خرج كنند. آنجايي كه فكر مي‌كردند وجودشان مي‌تواند كمكي بكند، با همه‌ي وجود حاضر بودند. اگر جبهه بود، يك طور؛ اگر دانشگاه بود، يك طور؛ اگر ميدان فرهنگي يا سياسي بود، وارد ميدان مي‌شدند. انقلابي منفي، خودش را از كار كنار مي‌گيرد؛ اما اگر يك‌وقت كاري هم به دستش افتاد، مثل آدم‌هايي كه هيچ كاري در دستشان نيست، حالت منفي‌بافي و شكل اپوزيسيون به خودش مي‌گيرد؛ كأنّه در هيچ كاري مسئوليت ندارد! انقلابي مثبت حتّي اگر هيچ‌كاره هم باشد، خودش را مسئول‌ترين افراد مي‌داند و وارد ميدان مي‌شود. من مي‌خواهم به شما عرض كنم: عزيزان من! جوانان! انقلابي‌ مثبت باشيد. دانشگاه بايد انقلابيون مثبت پرورش دهد؛ اين ملت و اين تاريخ به شما نياز دارد؛ بايد خودتان را آماده كنيد.

1379/12/09

# ضرورت شناخت هندسه سياسي و آرايش نيروهاي سياسي دنيا توسط هر روحاني دلسوز، براي يافتن تكليف خود

هر روحاني دلسوز و بخصوص جوان، هندسه‏ي سياسي و آرايش نيروهاي سياسي دنيا را درست بشناسد؛ ببيند امروز كي در مقابل كيست؛ آن‏گاه راه را پيدا مي‏كند و مي‏فهمد بايد چه كار كند.

1382/09/25

# «روحيه انقلابي» به معناي اسير حدود تحميلي نشدن و با اميد به دنبال هدف حركت كردن

# بانشاط و باانگيزه بودن و براي رسيدن به اهداف انقلاب اصرار و پيگيري كردن، نشانه حركت انقلابي

# نادرستي مساوي تلقّي كردن حركت انقلابي با آشفتگي، سردرگمي و سنگ روي سنگ بند نشدن

# انضباط انقلابي؛ برترين و قويترين انضباط

# امري مستمر و دائمي بودن انقلاب، به معناي سازندگي، رويش و بالندگي

# عدم امكان رويش و بالندگي بدون انضباط، قانون و نظم

# روي دادن بي‌نظمي‌هاي اول انقلاب به دليل ضرورت به‌هم‌ريختن بناهاي غلط، كج و پوسيده گذشته

حركت انقلابي بر خلاف القائات افراد خبيث و يك عده از قلم‌به‌مزدهاي داخلي كه آن را ترويج ميكنند و اين‌طور القاء ميكنند كه انقلاب يعني آشفتگي؛ سردرگمي؛ هيچي به هيچي نبودن و سنگ روي سنگ بند نشدن، نيست، بلكه انضباط انقلابي، برترين و قويترين انضباطهاست. بينظمي‌يي كه اول انقلاب ديده ميشود، به‌خاطر اين است كه بناي غلط و كج و پوسيده‌يي وجود دارد، كه بايد آن را به‌هم ريخت و بناي نويي گذاشت. آن به‌هم ريختگي متعلق به اول انقلاب است؛ انقلاب كه آن به‌هم ريختگي نيست؛ انقلاب يك امر مستمر است؛ انقلاب يعني سازندگي؛ يعني رويش و بالندگي. رويش و بالندگي بدون انضباط، بدون قانون و بدون نظم مگر ممكن است!؟ بهترينِ كارها را كساني كرده‌اند كه با **روحيه‌ي انقلابي** كرده‌اند؛ هم در جنگ، هم در سازندگي و هم در علم و مسائل فرهنگي. بنابراين، انقلابي بمانيد. روحيه‌ي انقلابي يعني اسير حدود تحميلي نشدن؛ قانع به گيرندگي قطره‌چكاني نشدن؛ با اميد دنبال هدف حركت كردن، و با انگيزه، با نشاط، با اصرار و پيگيري آن را به‌دست آوردن. اين، انقلاب و حركت انقلابي است.

1383/04/01

# نياز به داشتن «هويّت انقلابي» براي ماندن در مسير انقلاب

قرآن ميگويد: آنهايي كه در جنگ احد برگشتند؛ طاقت نياورند بايستند، اين لغزش اينها به خاطر آن كاري است كه قبلاً كردند. ما وقتي روح را نساختيم، خودمان را محكم نكرديم، معلوم است؛ هر مماسي روي آن اثر ميگذارد؛ يكي، دو تا، سه تا، ناگهان ميبينيد كه شكلش عوض شد؛ اما وقتيكه مثل فولاد آبديده، محكم و استوار و بر مبناي تفكر درست و منطق صحيح، هويت ديني انسان شكل گرفت و هويت انقلابي شكل گرفت، هرچه زمان بگذرد، اين هويت روشنتر، واضحتر، جذابتر، مستحكمتر ميشود... بعضيها تصور ميكنند **انقلابيگري**، يك حركت انقلابي، يعني حركت بيانضباطِ همراه با شلوغي، سردرگمي و بينظمي! ميگويند آقا، آنها انقلابي بود و تمام شد! اين، غلط است. مطلقاً در ذات تحرك انقلابي، اغتشاش و بينظمي نيست. بعكس، انضباط انقلابي از محكمترين و قويترين انضباطهاست. انضباطي كه ريشه از ذهن انسان، از دل انسان، از ايمان انسان ميگيرد، بهترين انضباطها را دارد. اول انقلابها از جمله انقلاب ما، بينظمي‌هائي ديده ميشود كه اين ناشي است از آغاز حركت انقلابي؛ چون يك بناي كهنه‌ي درهم ريخته بايد نابود شود و جايش يك بناي ديگر بيايد. اين، چيز طبيعي‌اي است؛ ولي وقتيكه بناي نو، بناي جديد ساخته شد بر پايه‌هاي درست، حركت بر اساس آن، حركتِ منضبط و خوب خواهد بود و پيش خواهد رفت و اين، انقلابي است. بنابراين انقلابيگري را با بينظمي و با شلوغكاري و با نشناختن ضابطه و قانون نبايد اشتباه كرد.

1386/04/25

# افزايش معنويت و تقرّب به خدا، با اهتمام به اعمال عبادي، براي محكم كردن بنيه ديني و انقلابي

نقش معنويت را دست كم نبايد گرفت. با توجه به خدا و تقرب به خدا، با توسل به دامان قدس الهي و ذيل عنايت الهي مي‌توان خيلي كارهاي دشوار را انجام داد. شماها جوانيد. شما با ما فرق داريد. اين را به شما بگويم. شما خيلي از اين جهت جلوتر از ما هستيد. دل‌هاي شما پاك، نوراني، بي‌تعلق، بي‌آلايش، مثل يك آيينه‌ي روشن، بلافاصله نور را منعكس مي‌كند. آلوده نشده‌ايد؛ اين را قدر بدانيد. با خداي متعال رابطه برقرار كنيد. با نماز، با نافله، با تلاوت قرآن، با دعا، با صحيفه‌ي سجاديه. اين صحيفه‌ي سجاديه پر از معارف ديني است. با اين كار بنيه‌ي ديني و **انقلابي‌** خودتان را هم محكم مي‌كنيد.

1387/02/14

# نياز داشتن «انقلابي بودن» به عزم، ايمان و ثبات قدم

# تمثيل «برگشتن از راه انقلاب» به «شكستن روزه پيش از غروب»، مانند كسي كه از ابتدا روزه نگرفته

جوانهاي امروز ما، جوانهاي نسل معاصر ما و جوانهائي كه در آينده خواهند آمد، بدانند راه انقلاب، راهي است كه احتياج دارد به عزم، به ايمان، به ثبات قدم. بعضي اين ثبات قدم را دارند، بعضي در بين راه برميگردند؛ البته اينها به ضرر خودشان عمل ميكنند؛ «فمن نكث فانّما ينكث علي نفسه». آن كساني كه از راه انقلاب برگردند، مثل كساني هستند كه در تابستان روزه گرفته‌اند و تا اواخر روز، روزه را حفظ ميكنند، اما يك ساعت به غروب، دو ساعت به غروب طاقتشان تمام ميشود؛ افطار ميكنند. اين مثل همان كسي است كه از اولِ روز، روزه نگرفته است. باطل كردن روزه در هر زماني از ساعات روز باشد، ابطال روزه است. در راه انقلاب اگر ثبات قدم وجود نداشت، اگر پيوستگي حركت وجود نداشت، انسان رابطه‌اش با انقلاب قطع ميشود. اين بيوفائي به انقلاب است. هميشه بودند كساني كه به انقلاب بيوفائي كردند، به انقلاب دلبستگي خود را كم كردند، به انقلاب پشت كردند. وصيت امام اين است كه جوان ما، مردم ما، نسلهاي گوناگون ما، با چشم واقع‌بينانه نگاه كنند. اصل، انقلاب است؛ اشخاص، اصل نيستند. **انقلابي بودن** به حفظ رابطه‌ي خود و عمل خود و پيوستگي خود با انقلاب است...

# تعريف «روح انقلابي» به روح حركت به جلو، روح پيشرفت، روح ابتكار و نوآوري

امام بزرگوار ما از اول انقلاب تا روز آخر و در وصيت‌نامه‌ي خود تأكيد ميكند كه **روح انقلابي**، روح حركت به جلو است، روح پيشرفت است، روح ابتكار و نوآوري است و اين در واقعيت ملت ايران هم تحقق پيدا كرد...اين روح انقلابي، هر چه در ملت زنده‌تر و پوياتر باشد، روح نوآوري و ابتكار و خلاقيت زنده‌تر خواهد بود؛ همچناني كه خود انقلاب هم يك نوآوري بزرگ بود. امام با انقلاب اسلامي و با تشكيل جمهوري اسلامي راهِ ميانه‌ي عقب‌ماندگي و غرب‌زدگي را ترسيم كرد.

1387/03/14

# «انقلابي ماندن»‌ به معناي پيروز برآمدن از فتنه و نجات دادن خويش از آن

# فروافتادن انقلابيون به فتنه و باطل كردن گذشته خود با بي‌بصيرتي، نشناختن فضا و تشخيص ندادن حق و باطل

آنچه كه از بيانات زينب كبري باقي مانده است و امروز در دسترس ماست، عظمت حركت زينب كبري را نشان ميدهد. خطبه‌ي فراموش نشدني زينب كبري در بازار كوفه يك حرف زدن معمولي نيست، اظهارنظر معمولي يك شخصيت بزرگ نيست؛ يك تحليل عظيم از وضع جامعه‌ي اسلامي در آن دوره است كه با زيباترين كلمات و با عميق‌ترين و غنيترين مفاهيم در آن شرائط بيان شده است... همان لحني را به كار مي‌برد كه پدرش اميرالمؤمنين بر روي منبر خلافت در مقابل امت خود به كار مي‌برد؛ همان جور حرف ميزند؛ با همان جور كلمات، با همان فصاحت و بلاغت، با همان بلندي مضمون و معنا: «يا اهل الكوفه، يا اهل الغدر و الختل»؛ اي خدعه‌گرها، اي كساني كه تظاهر كرديد! شايد خودتان باور هم كرديد كه دنباله‌رو اسلام و اهل‌بيت هستيد؛ اما در امتحان اينجور كم آورديد، در فتنه اينجور كوري نشان داديد. «هل فيكم الّا الصّلف و العجب و الشّنف و الكذب و ملق الاماء و غمز الاعداء»؛ شما رفتارتان، زبانتان با دلتان يكسان نبود. به خودتان مغرور شديد، خيال كرديد ايمان داريد، خيال كرديد همچنان **انقلابي** هستيد، خيال كرديد همچنان پيرو اميرالمؤمنين هستيد؛ در حالي كه واقع قضيه اين نبود. نتوانستيد از عهده‌ي مقابله‌ي با فتنه بربيائيد، نتوانستيد خودتان را نجات دهيد. «مثلكم كمثل الّتي نقضت غزلها من بعد قوّة انكاثا»؛ مثل آن كسي شُديد كه پشم را ميريسد، تبديل به نخ ميكند، بعد نخها را دوباره باز ميكند، تبديل ميكند به همان پشم يا پنبه‌ي نريسيده. با بي‌بصيرتي، با نشناختن فضا، با تشخيص ندادن حق و باطل، كرده‌هاي خودتان را، گذشته‌ي خودتان را باطل كرديد. ظاهر، ظاهر ايمان، دهان پر از ادعاي **انقلابيگري**؛ اما باطن، باطن پوك، باطن بيمقاومت در مقابل بادهاي مخالف. اين، آسيب‌شناسي است.

1389/02/01

# «انقلابي بودن» به معناي منصف و عادل بودن و ملاحظه كردن طهارت دل و عمل

# منافات داشتن ظلم به ديگران در گفتن حرف‌هاي نابه‌جا و غيرمنصفانه درباره آن‌ها، با «انقلابي بودن»

من بارها گفته‌ام: ظلم نكنيم. اين هم يكي از آن اساسي‌ترين كارهاست. ظلم چيز بدي و چيز خطرناكي است. ظلم فقط اين نيست كه آدم توي خيابان به يكي كشيده بزند. گاهي يك كلمه‌ي نابجا عليه يك كسي كه مستحقش نيست، يك نوشته‌ي نابجا، يك حركت نابجا، ظلم محسوب ميشود. اين طهارت دل را و طهارت عمل را خيلي بايستي ملاحظه كرد ... زيادتر نگوئيد از آنچه كه هست، از آنچه كه بايد و شايد. منصف باشيم؛ عادل باشيم. اينها آن وظائف ماست. اينجور نيست كه ما چون مجاهديم، چون مبارزيم، چون **انقلابي** هستيم، بنابراين هر كسي كه از ما يك ذره- به خيال ما و با تشخيص ما- كمتر است، حق داريم كه درباره‌اش هر چي كه ميتوانيم بگوئيم.

1389/04/02

# «انقلابي بودن» به معناي بصير و بينا بودن و درك پيچيدگي‌هاي شرايط زمانه

# حفظ شور انقلابي، ساختن با مشكلات و رويگردان نشدن از طعن و دقّ ديگران

# ماندن در صحنه، مأيوس نشدن و مراقبت براي عصباني نشدن و از كوره در نرفتن، در مقابل اعتراض‌ها

# ضرورت رفتار منطقي و عقلائي براي «انقلابي بودن»

**انقلابي** بايد بصير باشد، بايد بينا باشد، بايد پيچيدگي‌هاي شرايط زمانه را درك كند. مسأله اين‌جور ساده نيست كه يكي را رد كنيم، يكي را اثبات كنيم، يكي را قبول كنيم. اين‌جوري نمي‌‌شود. بايد دقيق باشيد. بايد **شور انقلابي** را حفظ كنيد. بايد با مشكلات هم بسازيد. بايد از طعن و دقّ ديگران هم روگردان نشويد، اما بايد خامي هم نكنيد. مراقب باشيد. مأيوس نشويد. در صحنه بمانيد، اما دقت كنيد و مواظب باشيد رفتار بعضي از كساني كه به نظر شما جاي اعتراض دارد، شما را عصباني نكند، شما را از كوره در نبرد. رفتار منطقي و عقلائي يك چيز لازمي است.

# متهم كردن نيروهاي انقلابي به افراطي‌گري، نقشه‌اي انحرافي از سوي دشمن

البته اين را هم به همه توصيه كنيم كه نيروهاي انقلابي را متهم به افراطي‌گري نكنند. بعضي هم اين‌جوري دوست مي‌‌دارند عنصر **انقلابي**، جوان‌ انقلابي، طلبه‌ي انقلابي، فاضل انقلابي، مدرس انقلابي در هر سطحي از سطوح را متهم كنند به افراطي‌گري؛ نه، اين هم انحرافي است كه به دست دشمن انجام مي‌گيرد. واضح است. پس نه از آن طرف، نه از اين طرف.

1389/07/29

# ضرورت پرهيز از افراط در حركت انقلابي، براي متهم نشدن به افراطي‌گري

# ضربه خوردن حركت انقلابي هم از «زياده‌روي» و هم از «سكوت»، بي‌تفاوتي و كناره‌گيري

# انحراف از حركت انقلابي و خروج از انقلابي‌گري، در صورت اهانت به مراجع و بزرگان حوزه

نبادا حركت انقلابي جوري باشد كه بتوانند تهمت افراطي‌گري به او بزنند. از افراط و تفريط بايستي پرهيز كرد. جوانهاي انقلابي بدانند؛ همان‌طور كه كناره‌گيري و سكوت و بي‌تفاوتي ضربه ميزند، زياده‌روي هم ضربه ميزند؛ مراقب باشيد زياده‌روي نشود. اگر آن چيزي كه گزارش شده است كه به بعضي از مقدسات حوزه، به بعضي از بزرگان حوزه، به بعضي از مراجع يك وقتي مثلًا اهانتي شده باشد، درست باشد، بدانيد اين قطعاً انحراف است، اين خطاست. اقتضاي **انقلابيگري**، اينها نيست.

1389/07/29

# حضور در صحنه و سينه‌سپر كردن در مقابل دشمني‌ها، ويژگي روحانيت انقلابي و مسئول

روحانيت مسئول را، روحانيت **انقلابي** را، روحانيت حاضر در صحنه را كه در مقابل دشمني‌ها سينه سپر كرده است، به خيال خودشان منزوي كنند، بدنام كنند.

1389/08/23

# كينه‌ورزي دشمن و عناد با حاكميت فضاي انقلابي بر كشور

# تلاش دشمن براي منزوي كردن روحاني انقلابي

# اهل فعاليت و عمل بودن «طلبه انقلابي» و اهل تسويف نبودن و كار امروز را به فردا نيانداختن

مسئله‌ي ديگر در زمينه‌ي نظام رفتاري و اخلاقي حوزه، مسئله‌ي گرايشها و **احساسات انقلابي** در حوزه است. عزيزان من! فضاي انقلابي در كشور دشمنان عنودي دارد، دشمنان كينه‌ورزي دارد. با حاكميت فضاي انقلابي در كشور مخالفند؛ ميخواهند اين فضا را بشكنند. ميخواهند **فضاي انقلابي** را بشكنند، روحاني انقلابي را منزوي كنند.

جوان طلبه‌ي انقلابي اهل عمل است، اهل فعاليت است، اهل تسويف و امروز به فردا انداختن كار نيست، اما بايد مراقب باشد.

1389/08/23

# ضرر كردن و منحرف شدن از خط امام (ره) در صورت زيرپا گذاشتن «اخلاق» به نام «انقلابي بودن»

# انحراف از خط امام (ره) در صورت اهانت به برادر معتقد به اصل نظام، به نام انقلابي‌گري و عدالت‌خواهي

# «انقلابي بودن» به معناي تحمّل سليقه‌هاي سياسي مخالف با مذاق سياسي ما و رفتار عادلانه با آن

اگر به نام عدالت‌خواهي و به نام **انقلابيگري**، اخلاق را زير پا بگذاريم، ضرر كرده‌ايم؛ از خط امام منحرف شده‌ايم. اگر به نام **انقلابيگري**، به نام عدالت‌خواهي، به برادران خودمان، به مردم مؤمن، به كساني كه از لحاظ فكري با ما مخالفند، اما ميدانيم كه به اصل نظام اعتقاد دارند، به اسلام اعتقاد دارند، اهانت كرديم، آنها را مورد ايذاء و آزار قرار داديم، از خط امام منحرف شده‌ايم. اگر بخواهيم به نام **انقلابيگري** و **رفتار انقلابي**، امنيت را از بخشي از مردم جامعه و كشورمان سلب كنيم، از خط امام منحرف شده‌ايم. در كشور آراء و عقايد مختلفي وجود دارد. اگر چنانچه يك عنوان مجرمانه‌اي بر يك حركتي، بر يك حرفي منطبق شود، اين عنوان مجرمانه البته قابل تعقيب است؛ دستگاه‌هاي موظف بايد تعقيب كنند و ميكنند؛ اما اگر عنوان مجرمانه‌اي نباشد، كسي است كه نميخواهد براندازي كند، نميخواهد خيانت كند، نميخواهد دستور دشمن را در كشور اجرا كند، اما با سليقه‌ي سياسي ما، با مذاق سياسي ما مخالف است، ما نميتوانيم امنيت را از او دريغ بداريم، عدالت را دريغ بداريم؛ «و لايجرمنّكم شنئان قوم علي الّا تعدلوا». قرآن به ما دستور ميدهد و ميگويد: مخالفت شما با يك قومي، موجب نشود كه عدالت را فرو بگذاريد و فراموش كنيد. «اعدلوا»؛ حتّي در مورد مخالف هم عدالت به خرج دهيد. «هو اقرب للتّقوي» اين عدالت، نزديكتر به تقواست. مبادا خيال كنيد تقوا اين است كه انسان مخالف خودش را زير پا له كند؛ نه، عدالت ورزيدن با تقوا موافق است. همه هوشيار باشيم، همه بيدار باشيم. اين بُعد هم نبايد ابعاد ديگر را در سايه قرار بدهد.

1390/03/14

# عدم تقابل «عقل‌گرايي» با ارزش‌هاي اسلامي و انقلابي

# انحراف بودن عدول از ارزش‌هاي اسلامي و انقلابي، به بهانه «عقل‌گرايي»

# «انقلابي بودن» به معناي غافل نشدن از خدعه و كيد دشمن و نقشه عميق او

# از دست دادن پشتوانه عظيم معنوي درون كشور و ملّت، در صورت اعتماد به دشمن و كوتاه آمدن در مقابل او

اگر كسي يا جرياني بخواهد به نام عقل‌گرائي، از ارزشهاي اسلامي و **انقلابي** عدول كند، اين انحراف است. اگر كسي بخواهد به وسيله‌ي عقل‌گرائي، در مقابل دشمن بي‌تقوائي به خرج بدهد، وابستگي به وجود بياورد، اين انحراف است، اين خيانت است. آن عقلانيتي كه در مكتب امام بزرگوار ما هست، اقتضاء نميكند كه ما از خدعه‌ي دشمن غافل شويم، از كيد او غافل شويم، از نقشه‌ي عميق او غافل شويم، به او اعتماد كنيم، در مقابل او كوتاه بيائيم. هرچه كه انسان در مقابل دشمن كوتاه بيايد، پشتوانه‌ي عظيم معنوي در درون كشور و درون ملت را از دست خواهد داد.

1390/03/14

# «انقلابي بودن»‌ به معناي تلاش براي برجسته كردن ارزش‌هاي انقلاب

# ساده‌زيستي مسئولان، استكبارستيزي و افتخار به انقلابي‌گري، از جمله ارزش‌هاي انقلاب

از نقاط قوّتي كه به نظر من روي آن بايد تكيه كرد، مسئله‌‌ي برجسته شدن ارزشهاي انقلاب است. در اين سالهائي كه دولت نهم و دولت دهم بر سر كار بودند تا امروز، گفتمان انقلاب و ارزشهاي‌‌انقلاب و چيزهائي كه امام به آن توصيه ميكردند و ما آنها را از انقلاب آموختيم، خوشبختانه كاملاً برجسته شده: مسئله‌‌ي ساده‌‌زيستي مسئولان، استكبارستيزي، افتخار به **انقلابيگري**. يك دوره‌‌اي بر ما گذشت كه اسم انقلاب و **انقلابيگري** و اينها به انزوا افتاده بود؛ سعي ميكردند به عنوان يك ارزش منفي يا ضد ارزش، از اين چيزها ياد كنند؛ مقاله مينوشتند، حرف ميزدند، گفته ميشد. امروز خوشبختانه اينجور نيست، درست بعكس است؛ گرايش عمومي مردم و مسئولان كشور به حركت انقلابي، جهتگيري انقلابي، ارزشهاي انقلابي و **مباني انقلاب** است. اين را توجه داشته باشيد كه يكي از عوامل گرايش مردم به دولت، همينهاست؛ يعني مردم به اين ارزشها اهميت ميدهند. مسئله‌‌ي دعوت به عدالت، مسئله‌‌ي ساده‌‌زيستي، دور بودن مسئولان از تجمل؛ اينها خيلي چيزهاي مهمي است

1391/06/02

# «بصيرت انقلابي» به معناي تعهّد و پايبندي ديني

بيست‌و‌نهم فروردين يعني ارتش متعلّق است به ايران، به انقلاب، به مردم؛ و در خدمت هدفهاي مردم و در خدمت هدفهاي انقلاب ايستاده است؛ همان‌طور كه الان اين جوانهاي عزيزمان در سرود خواندند، ارتش به پاي انقلاب ايستاد. اين معناي بيست‌و‌نهم فروردين است. اين از جمله‌ي كارهاي بزرگ بود و آثار ماندگاري داشت؛ بعد از اين هم آثار بيشتري خواهد داشت. و ان‌شاءالله شما جوانها در اين فضا، در اين محيط، با اين جهت‌گيري رشد ميكنيد و ان‌شاءالله براي كشورتان افتخار خواهيد آفريد. يكي از خصوصيات ارتش جمهوري اسلامي ايران، بصيرت **انقلابي** و ديني است. پايبندي ديني است، تعهّد ديني است. اين خيلي حرف بزرگي است. معناي تعهّد ديني اين است كه ارتش به همه‌ي موازيني كه اسلام براي نيروهاي مسلّح و براي فعّاليتهاي نظامي مقرّر كرده است، پايبند است.

1394/01/30

# تلاش دشمن براي بي‌تفاوت بار آوردن جوانان نسبت به انقلاب

# تلاش دشمن براي نابود كردن روحيه حماسه و انقلابي‌گري در جوانان

# تشويق جوانان به داشتن روحيه انقلابي‌گري، براي دفاع از كشور و مأيوس كردن دشمن

يكي از مهم‌ترين راه‌هاي تقويت دروني، حفظ روحيه‌ي **انقلابيگري** است در مردم؛ بخصوص در جوانها. سعي دشمنان اين است كه جوان ما را لاابالي بار بياورند، نسبت به انقلاب بي‌تفاوت بار بياورند، روحيه‌ي حماسه و انقلابيگري را در او بكشند و از بين ببرند؛ جلوي اين بايد ايستاد. جوان، روحيه‌ي انقلابيگري را بايد حفظ كند. و مسئولين كشور جوانهاي انقلابي را گرامي بدارند؛ اين‌همه جوانهاي حزب‌اللّهي و انقلابي را برخي از گويندگان و نويسندگان نكوبند به اسم افراطي و امثال اينها. جوان انقلابي را بايد گرامي داشت، بايد به روحيه‌ي **انقلابيگري** تشويق كرد؛ اين روحيه است كه كشور را حفظ ميكند، از كشور دفاع ميكند؛ اين روحيه است كه در هنگام خطر به داد كشور ميرسد. سه عامل اساسي اقتدار ملّي اينها است: اقتصاد قوي و مقاوم، علم پيشرفته و روزافزون، و حفظ روحيه‌ي **انقلابيگري** در همه بخصوص در جوانها؛ اينها است كه ميتواند كشور را حفظ كند؛ آن‌وقت دشمن مأيوس خواهد شد.

1394/06/18

# ضرورت زنده نگهداشتن حادثه انقلاب و حقيقت انقلاب در ذهن‌ها و دل‌ها

# تلاش دشمن براي تغيير و انحراف رفتار ما از «رفتار انقلابي»

بايستي حادثه‌ي انقلاب و حقيقت انقلاب، دائم در ذهن و دل ما زنده باشد؛ باقي باشد. جبهه‌ي دشمن اتّفاقاً، روي همين نقطه تكيه دارد. اينكه در خبرهاي خارجي مي‌بينيد كه فلان سياستمدار آمريكايي گفته است كه ما نظام جمهوري اسلامي را تغيير رژيم نميخواهيم بدهيم [بلكه‌] تغيير رفتار ميخواهيم بدهيم -ميگويند ديگر؛ شنفته‌ايد- تغيير رفتار يعني همين؛ يعني تا حالا رفتار نظام جمهوري اسلامي رفتار انقلاب بود، **رفتار انقلابي** بود، در خدمت انقلاب بود، ميخواهيم اين را تغيير بدهيم. من به ديپلمات‌هاي خودمان هم كه چند ماه قبل از اين، اينجا جمع بودند گفتم كه اينها از اسم جمهوري اسلامي خيلي باكي ندارند؛ حتّي از اينكه يك عمامه‌به‌سري در رأس جمهوري اسلامي باشد هم [باكي ندارند]؛ اگرچنانچه جمهوري اسلامي محتواي خود را از دست بدهد، اسلامي بودن را و **انقلابي بودن** را از دست بدهد، اينها با آن كنار مي‌آيند. آنچه با آن دشمني دارند عبارت است از محتواي جمهوري اسلامي؛ جبهه‌ي دشمن اين‌جور است. همه‌ي تلاش آنها اين است كه حركت جمهوري اسلامي را به سمت هدفهاي الهي و اسلامي، هدفهاي عزّت‌آفرين و قدرت‌آفرين از بين ببرند؛ دنبال اين است كه سلطه‌ي خود را بر اين كشور دوباره تجديد كند.

1394/11/19

# «انقلابي بودن» يعني احياء تفكر انقلابي در ذهن‌ها

# «انقلابي بودن» يعني حفظ و حراست از جهت‌گيري انقلابي در عمل، بيان، رفتار، تصميم‌گيري و مقرّرات و قوانين

درست است كه امروز هياهوي جنگ سختِ در دهن دشمن هم هست -ممكن هم هست؛ ما اگرچه بعيد ميدانيم امّا محال نميدانيم- امّا آنچه فعلاً در دستور كار او است جنگ نرم است. هدف جنگ نرم اين است كه مؤلّفه‌هاي قدرت را از يك كشوري بگيرد و سلب كند؛ از نظام جمهوري اسلامي و ملّت ايران مؤلّفه‌هاي قدرت را بگيرد و او را تبديل كند به يك ملّت ضعيف، به يك ملّت زبون، به يك ملّت تسليم‌پذير؛ هدف اينها است. بعد كه يك ملّت تسليم‌پذير شد، ديگر اصلاً احتياجي به جنگ سخت به‌وجود نمي‌آيد؛ اگر هم يك‌وقتي لازم شد، بي‌دغدغه ميتوانند اين كار را انجام بدهند، كه امروز جرئت نميكنند. آن روز كه خداي نخواسته ملّت ايران دچار ضعف بشود، مؤلّفه‌هاي قدرت خود را از دست بدهد، اين كار برايشان خيلي آسان خواهد بود. احياء انقلاب در ذهنها، حفظ و حراست از **تفكر انقلابي** و **جهت‌گيري انقلابي** در عمل، در بيان، در رفتار، در تصميم‌گيري‌ها و در مقرّرات و قوانين؛ اينها كارهايي است كه ميتواند جلوي آن وضعيت دهشتناك را بگيرد؛ ميتواند ملّت را در همين جادّه‌ي استحكام و استقراري كه دارد پيش ببرد.

1394/11/19

# «انقلابي بودن»‌ به معناي فدا نكردن حركت انقلابي به پاي حمايت از نزديكان و منتسبان

مرحوم آقاي خزعلي (رضوان‌الله‌تعالي‌عليه) امتحاني از نوع ديگر و بسيار دشوار را دادند؛ پاي حرفهاي خودشان ايستادند، **پاي انقلاب** ايستادند. آنجايي‌كه بحث نزديكان و منتسبان بود، با كمال صراحت، با كمال شجاعت [ايستادند]. حالا به بنده كه مكرّردرمكرّر مطالبي گفتند كه در سينه‌ي من و در نوشته‌جات من ثبت است، امّا در علن هم مطالب زيادي گفتند، كه اينها را ديگران شنيده‌اند. [اين] مرد **پاي انقلاب** ايستاد. اينها است كه ارزش ميدهد به انسانها، معنا ميدهد به **حركت انقلابي** انسانها. رحمت خدا بر اينها. اميدواريم كه خداي متعال با رضوان خود، با رحمت خود، از اينها استقبال كند؛ كاَنّي بِنَفسي واقِفَةٌ بَينَ يديك فَقَد اَظَلَّها حُسنُ تَوَكلي عَلَيك فَقُلتَ ما اَنتَ اَهلُه‌ُ وَ تَغَمَّدتَني بِعَفوِك. اميدواريم ان‌شاءالله خداي متعال، اينها را مشمول اين فقره‌ي مناجات شعبانيه قرار بدهد

1394/12/20

# گرامي داشتن و نگهداشتن نيروهاي انقلابي و حزب‌اللهي؛ يكي از كارهاي انقلابي

من به شما عرض بكنم كه مردم -چه افراد سياسي، چه افراد اقتصادي، چه آحاد مردم- بايد به دولت كمك كنند، به مسئولين كشور كمك كنند. اين كار البتّه فقط هم كار دولت نيست؛ هر سه قوّه بايد با يكديگر همكاري كنند تا كار پيش برود؛ و مردم هم بايد كمك كنند به اينها؛ اين كمك لازم است و جدّيت مسئولين بخصوص قوّه‌ي مجريه هم لازم است. اگر بتوانيم اين حركت را راه بيندازيم، عرض كرديم كه اين جريان، **جريان انقلابي** است و هم سرعت خواهد داشت، هم موفّقيت خواهد داشت. ما در هرجايي كه كار انقلابي كرديم، اينها را داريم. ببينيد! كاري كه شهداي هسته‌اي ما در زمينه‌هاي هسته‌اي كه بسيار هم حسّاس است پيشاهنگش بودند، كاري كه شهيد طهراني‌مقدّم پيشاهنگش بود، كاري كه شهيد كاظمي در زمينه‌ي سلّول‌هاي بنيادي پيشاهنگش بود، كارهاي بسيار بزرگي است. در زمينه‌هاي فرهنگي [هم] كاري كه شهيد آويني پيشاهنگش بود و در اين اواخر [هم] مرحوم سلحشور -كه اينها پيشروان **كار انقلابي** در اين كشورند- اينها را بايد ترويج كرد، اينها را بايد تقدير كرد و نام اينها را بايد گرامي داشت. **كار انقلابي** اين است. اينكه من بارها تكرار ميكنم كه نيروهاي انقلابي را و نيروهاي حزب‌اللّهي را بايد گرامي بداريم و بايد نگه بداريم، به‌خاطر اين است؛ كار وقتي با روحيه‌ي انقلابي شد، پيشرفت خواهد كرد.

1395/01/01

